



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۶/۱۴



جليل غنی

گذرگاه صعب العبور صلح

بیش از ده ماه می شود که طالبان به قدرت برگشته اند و لی نه تنها در این ده ماه نتوانستند که پایگاه مورد اعتماد در بین مردم ایجاد کنند بلکه با تصامیم سخت گیرانه و سلب آزادی های مدنی و مشروع به شمول حق تحصیل و تعلیم، آزادی های نسبی مطبوعات و نشرات، حتی انتخاب لباس و ظواهر مردان و زنان و تحمیل خواسته های تنگ نظرانه ی که به نام اسلام وضع می کنند، محبوبیت نسبی که قبلاً داشتند هم از دست دادند و آهسته آهسته مقاومت در برابر آنها در نقاطی از افغانستان شکل می گیرد و کشتار و ترور و حملات انفجاری و انتحاری که یکی از تاکتیک های خود طالبان در زمان جنگ با حکومت های سابق افغانستان به بهانه ی حضور نیرو های خارجی در افغانستان به کار می بردند، روزی نیست که قربانی نگیرد البته در این میان از نا پدید شدن خبر نگاران و اهل مطبوعات و مامورین ملکی و نظامی سابقه و زندانی کردن ها و کشتن آنها نیز باید یاد آور شد. همچنان مردم شکایت دارند که طالبان امروزی طالبان دیروزی که پنج سال در افغانستان قبل از سرنگونی نظام شان در 2001 به کمک امریکا و متحدین آن بودند، نیستند و رشوه و اخاذی ها به نام ها و بهانه های گوناگون، چه به نام عشر و چه به نام کمک با فشار و زور، از مردمی که برای آذوقه و به دست آوردن لقمه ی نانی یا اطفال و یا هم گرده های شان می فروشند، استفاده جوئی را آغاز کرده اند. بازار فروش اطفال و اگر بگوئیم بازار حراج یا لیلای اطفال که در تاریخ افغانستان سابقه نداشته و لکه ی ننگی بر جبین این نظام و نظام سابقه است که ملیارد ها دالر کمک جامعه ی جهانی را غارت و چپاول نموده و در امریکا و دوی و ترکیه قبرس و اروپا املاک خریده و سرمایه گذاری کردند، ثبت تاریخ خواهد شد. حتی وال ستریت ژورنال روزنامه معتبر امریکا نیز به تفصیل گزارشی دارد که از دو روز به اینطرف در رسانه های همگانی مثل فیسویک و وبسایت های افغانی دست به دست می گردد. رشوه ستانی بعضی از مامورین طالبان در ولایات و یا فرماندهان شان در اطراف افغانستان، حتی دست گیری آنها توسط حکومت سرپرست طالبان، نیز اکنون رسانه ی شده است. خلاصه طالبان این دوره بدتر از دوره ی قبلی حکومت شان عمل نموده و افغانستان را به زندانی تبدیل کرده اند که حتی دختران و اطفال هم از حق مشروع و انسانی تحصیل محروم گردیده اند. تمام فکر و ذکر شان متوجه حجاب و اسلام نمائی زن و مرد به تعبیر عقب مانده ترین تفکر و سلب انسانی ترین مزایای مدنیت و آزادی های مشروع است که از بطن دفتری به نام امر به معروف و نهی از منکر تراوش می کند. این وزارت دولتی در داخل دولت است و هیچ کسی را به شمول قدمه های متفاوت طالبان یارای مخالفت با ابلاغیه های غیر شرعی و غیر انسانی آن نیست.

ولی طالبان نه تنها اینکه حرف و مشوره ی هیچ کسی را قبول ندارند و سازش به قدرت رساندن، آنها را چنان مغرور ساخته که گوئی زمین فخر کند که بر آن راه می روند ولی نمیدانند که:

رفتن به پایمردی بیگانه در بهشت

حقا که با عقوبت دوزخ برابر است

حالا به مشوره ی حامیان بیرونی و داخلی شان به فکر استفاده از یک عنعنه که اکنون به جزئی از بوروکراسی دولتی گر دیده، افتاد اند و پس از آنکه امان الله خان در جرگه ی 1303 هجری خورشیدی مطابق 1924 میلادی در پغمان آنرا با تصویب تعدیلاتی در نظام نامه اساسی و تصویب بعضی قوانین دیگر «لویه جرگه» نامید، تا کنون به همین نام یاد می شود. برای این منظور و فریب حامیان خارجی و هم مردم افغانستان مثل بسیار حکومت های دیگر نیرنگ مهر تائید و مشروعیت بخشیدن به چنین حکومتی را در نظر دارند و تعدادی از کسانی که آنها را فاسدین و فاسقین دولت گذشته می خواند و از کشور فرار دادند، دعوت نموده و یکی پی دیگری در این روزها وارد کابل می شوند و از آنها به گرمی استقبال هم می شوند دزدان مشهور و رسوای که اسناد فساد و اخاذی و رشوت خوری شان هم به مردم افغانستان و هم به جهان آشکار است. ناگفته نماند که فرار دادن چنین افرادی توسط طالبان از اقدامات معدود مورد تائید و تمجید طالبان از طرف مردم افغانستان بود ولی دوباره خواستن و استقبال از اینها اعتبار اندکی هم اگر نزد مردم داشتند، از آنها سلب خواهد شد. طالبان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

می خواهند همه شمول بودن چنین جرگه را و هم چنان حکومت بر آمده از این جرگه را «همه شمول» که خواست جامعه ی جهانی هم هست، به نمایش به گذارند.

صلح افغانستان موضوعی نیست که تنها به طالبان ارتباط داشته باشد این معضله ابعاد وسیعتر و پیچیده تری دارد که بدون در نظر داشت چنین ابعادی صلح و ثبات در افغانستان استحکام نخواهد یافت و اگر هم بر قرار گردد همیشگی نخواهد بود زیرا اقتدار و تصمیم گیری در رابطه با، صلح، مناسبات منطقه ئی و بین المللی، با همسایگان و کشور های دور و نزدیک با در نظر داشت منافع مشروع و نگرانی های مشروعی که هر یک از این کشور ها دارند مستلزم حصول توافق و یا تفاهم با جناح مختلف است.

افغانستان با شش کشور این منطقه هم سرحد است که همین موقعیت، افغانستان را در چهارراه مدنیت ها و بر خورد ها در سده های گذشته قرار داده که از چنین موقعیتی هم بهره مند شده است و هم متضرر. طول سرحدات افغانستان با شش کشور همسایه چنین است:

چین 91 کیلو متر، ایران 921 کیلو متر، پاکستان 2430 کیلو متر، تاجکستان 1357 کیلو متر، ترکمنستان 804 کیلو متر و ازبکستان 144 کیلو متر. (Wikipedia)

ساحه افغانستان 652,230 کیلو مربع و نفوس آن به شمول مهاجرین در بیرون از افغانستان نزدیک به سی و شش ملیون تخمین میشود.

اشاره های مختصر به چند عامل این پیچیدگی ها:

منافع همسایگان و سایر کشور ها در افغانستان

آنچه که علاقمندی کشور های همسایه و سایر دول را، چه در منطقه و چه در جهان، به افغانستان توجیه کرده میتواند منافع و در عین زمان نگرانی های است که این کشور های دور و نزدیک در افغانستان دارند که می توان آنرا منافع مشترک و نگرانی های مشترک نامید، البته باید منافع و نگرانی های مشروع و غیر مشروع مطابق به مقررات و موازین بین المللی و حقوق بین الدول تعریف گردد و تفاوتی بین آنها قایل شد.

نقوذ سیاسی و راه های ترانزیت و پروژه های انکشافی:

افغانستان یکی از شاهراه های عمده ای ترانزیتی بین جنوب آسیا و آسیای میانه است و بنا بران کشور های منطقه و فرا منطقه ئی منافع و نگرانی های ستراتیژیک و اقتصادی بزرگتری در افغانستان دارند، حضور و نقوذ سیاسی و مقابله با رقیبان سیاسی منطقه ئی و انتقال امته تجارتی و صادرات و واردات این کشور ها از طریق افغانستان را می توان از عمده ترین منافع کشور های منطقه و جهان در افغانستان شمرد.

منابع طبیعی:

البته منابع سر شار طبیعی و دست نخورده ی افغانستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی جهان و منطقه به افغانستان است و بر اساس ارزیابی های که از طرف وزارت معادن افغانستان به عمل آمده، افغانستان دارای چهارصد و پنجاه معدن به شمول منابع انرژی و سنگ های قیمتی و منرال است که فقط استخراج و بهره برداری از تعداد بسیار معدودی از این منابع یا آغاز شده و یا هم برای بهره برداری تحت مطالعه گرفته شده است.

منابع آبی روی زمین و مهار نمودن آبهای زیر زمین و استفاده مشترک از این منابع بین افغانستان و کشور های همجوار هم دلیل علاقمندی کشور های همسایه است هم دلیل مداخلات برای وارد کردن فشار بر افغانستان به منظور قبولاندن خواسته های نا مشروع همسایگان مخصوصاً ایران و پاکستان است و هم برای تأمین منافی که طبق قوانین بین المللی بین کشورهای همجوار در مورد استفاده مشترک از منابع، تحت مقررات خاص وضع گردیده است.

بافت اجتماعی افغانستان:

بافت اجتماعی افغانستان یکی دیگر از عواملی است که کشور های همسایه افغانستان خود را حق میدهند در آن دخیل بدانند. جامعه ای افغانی متشکل از اقوام، قبایل، نژادها و زبانهای است که اقوام و ملیت های مشابه در کشور های همسایه افغانستان هم وجود دارد و تقسیمات جغرافیائی دو قدرت بزرگ جهانی در قرن نهم یعنی انگلیس و روس و یا هم فتوحات کشور گشایان دیگر، قبل و بعد از آن، موجب آن گردید که اکثر اقوام و قبایل و ملیت های دارای فرهنگ و تاریخ مشترک با خط کشی های سرحدی از هم جدا شوند. همین علایق تاریخی قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی و حتی ارتباط های خانوادگی است که از یک جانب موجب نزدیکی بین کشورهای با تشابهات و تعلقات تاریخی میگردد و از جانب دیگر بزرگترین معضلات منطقه ئی را موجب می شود.

نگرانی های مشترک:

امنیت، عمده ترین نگرانی مشروع مشترک افغانستان، منطقه و جهان است که منشأ همه مشکلات و معضلات دیگر مثل ثبات سیاسی و اقتصادی است.

تحولاتی که تقریباً از پنجاه سال به اینطرف در افغانستان با کودتای سردار محمد داود خان در 26 سرطان 1352 مطابق 17 جولای 1973 میلادی آغاز یافت و تا کنون ادامه دارد، افغانستان را از یک کشور عقب مانده اقتصادی ولی با ثبات سیاسی، بیرون کشید و مورد توجه منطقه و جهان قرار داد. مخصوصاً با کودتای حزب دموکرات خلق 27 اپریل 1978 میلادی و متعاقب آن تهاجم قشون سرخ شوروی سابق بر افغانستان در دسامبر 1979 میلادی و قیام مردم افغانستان به تعقیب آن، دیگر افغانستان از نظر جامعه بین المللی بدور نبود.

منطقه نی شدن مشکل افغانستان:

مشکل افغانستان از همان مراحل اول این تحولات شکل یک معضله منطقه‌ئی و جهانی را به خود اختیار کرد و در سطح منطقه بیشترین توجه به پاکستان و ایران بود که در حدود پنج میلیون افغان به این کشورها مهاجر شدند و پاکستان بیشترین منفعت را از قیام مردم افغانستان با پناه دادن به سه میلیون مهاجر افغان، تشکیل گروه های اسلامی مقاومت به نام تنظیم های جهادی و جلب حمایت غرب و جهان عرب از این تنظیم ها، بدست آورد. ولی همین روش پاکستان و اعلام پالیسی که جنرال ضیاءالحق دیکتاتور نظامی پاکستان آنرا «نظام مصطفی» نامید و در حقیقت «عمق ستراتیژیک» پاکستان هم خوانده شده است، یکی از عمده ترین عوامل بی امنیتی های منطقه نی مخصوصاً در افغانستان گردید.

تشکل گروه های دهشت افکن:

نا امنی در افغانستان از بیش از چهار دهه به اینطرف بیداد میکند. ولی به مرور زمان این نا امنی ها به ما ورای سرحدات افغانستان و جهان هم سرایت کرده و باعث نگرانی این کشور ها و جهان گردیده است. جنبش های اسلامی در آسیای میانه و در چین با ترغیب شدن از پیروزی تنظیم های اسلامی در دوران جهاد بر قوای اتحاد شوروی سابق و سقوط دادن حکومت کمونیستی، اقدام به ایجاد و منظم ساختن بیشتر گروه های اسلامی و جنبش های شدند که در گذشته یا شناخته نشده بودند و یا هم وجود نداشتند.

بی ثباتی منطقه:

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم، بی ثباتی و بی امنیتی در افغانستان نه تنها بی امنیتی در منطقه را بیشتر میسازد و موجب بی ثباتی های منطقه نی میگردد بلکه مایه نگرانی جهان نیز هست و انتشار افراط گرایی و جنبش های میگردد که خشونت و تشدد را یگانه راه رسیدن به هدف و بر آورده ساختن مرام های شان برای تاسیس دولت های مطابق به تعبیر های سخت گیرانه که از اسلام دارند، می بینند. همین سازمانهای افراطی و عقب گرا هستند که منافع جهان را چه سیاسی و چه اقتصادی در منطقه تهدید میکنند.

مواد مخدر:

تولید تریاک و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از عمده ترین نگرانی های کشور های منطقه و جهان است. افغانستان از چندین سال به اینطرف بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان شناخته شده است و این تریاک از بنادر نفوذ پذیر افغانستان با همسایگان توسط مافیای بین المللی به سایر نقاط جهان قاچاق میشود. تجارت مواد مخدره تولید افغانستان سالانه هشت میلیارد دالر تخمین شده است. تا کنون هیچگونه پلان و طرح کار آمد مشخصی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گرفته نشده و این ماده مهلک و ویرانگر بزرگترین درد سر برای جهان است. مزید بر آن همین اکنون بیش از دو میلیون معتاد در افغانستان وجود دارد که دولت به هیچ وجه توانائی معالجه آنها و یا مقابله با این مصیبت عظمی را ندارد.

نگرانی منطقه و جهان از به خطر افتادن منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی آنها در افغانستان که مشمول اعتقادات، تعلقات قومی و نژادی و زبانی نیز میگردد، از نگرانی های مشروع همسایگان افغانستان و منطقه و جهان است. البته هر یک از این فکتور ها و عوامل میتواند موضوع جداگانه ای برای تحقیق و بر رسی ژرف باشد و درین مختصر صرف با تذکر از آنها بسنده میکنیم تا توضیح شده باشد که دوام جنگ، بی امنیتی و بی ثباتی افغانستان یک مشکل تنها مربوط به افغانستان نه بلکه یک مشکل منطقه نی و بین المللی است.

پایان